



اصول باید در مرکز تصمیم‌سازی قرار داشته باشد، عملاً هیچ نقشی در این فرآیندها ندارد. من در دوران مدیریت همواره مردم را یکی از اضلاع اصلی تصمیم‌گیری می‌دانستم و به همین دلیل نیز بارها مورد حمله قرار گرفتم. اما امروز ضرورت در نظر گرفتن جایگاه مخاطب بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

به باور این آهنگساز، برای عبور از شرایط فعلی می‌توان در کوتاه‌مدت به سمت نرخ‌گذاری چندگانه حرکت کرد و توضیح داد: مثلاً از قیمت پایه ۴۰۰ هزار تومان تا سقف سه میلیون تومان. اما راه‌حل بنیادین، بازنگری در سیاست‌گذاری‌های کلان وزارت فرهنگ و دولت است؛ سیاستی که باید با نگاهی کلان‌تر به حوزه فرهنگ تدوین شود.

ارجمند یکی دیگر از چالش‌های ساختاری موسیقی ایران را به رسمیت شناخته نشدن برخی سبک‌ها می‌داند؛ موضوعی که به گفته او بر میزان اجراها و در نهایت بر قیمت‌ها نیز اثر می‌گذارد.

او بیان کرد: یکی از مشکلات اساسی، دخالت نهادهای مختلف و همچنین عدم شناسایی رسمی برخی سبک‌های موسیقی است. سبک‌هایی مانند راک و متال هنوز به رسمیت شناخته نشده‌اند. اگر این سبک‌ها رسمیت پیدا کنند و امکان اجرای بیشتری پیدا می‌کند و هم فشار از روی سالن‌های محدود فعلی برداشته می‌شود؛ در نتیجه هزینه‌ها نیز کاهش خواهد یافت.

او با اشاره به تجربه کشورهای دیگر ادامه داد: در بسیاری از کشورهای سالن‌های کوچک موسیقی در محله‌های مختلف فعال‌اند و مخاطبان با هزینه‌ای منطقی به اجرای زنده دسترسی دارند؛ الگویی که در ایران هنوز شکل نگرفته است.

ارجمند با بیان اینکه مشکل اصلی کمبود فضا نیست، بلکه نحوه بهره‌برداری از امکانات موجود است، افزود: در تهران فرهنگسراها و سالن‌های متعددی وجود دارد که با هزینه عمومی ساخته شده‌اند اما به دلیل مدیریت سلیقه‌ای یا تغییر کاربری، استفاده مؤثری از آن‌ها نمی‌شود. این فضاها باید در خدمت فعالیت‌های فرهنگی و هنری قرار بگیرند.

او درباره نگرانی از اشرافی شدن کنسرت‌ها تأکید کرد: حذف تدریجی موسیقی زنده از سید فرهنگی، فقط یک مسئله اقتصادی نیست و بر ذائقه فرهنگی جامعه اثر می‌گذارد. عدالت فرهنگی یعنی امکان حضور همه اقشار؛ از مخاطبی که توان پرداخت بلیت گران‌تر دارد تا کسی که با هزینه کمتر می‌خواهد در کنسرت حضور داشته باشد.

او در پایان تأکید کرد که بهبود شرایط نیازمند هم‌زمانی اصلاحات در ساختار اجرایی و استفاده از ظرفیت‌های حمایتی و مشارکتی در صنعت موسیقی است.

بهزاد عمرانی، بنیان‌گذار گروه موسیقی بُمرانی:

مسئولیت اصلی گرانی‌ها بر عهده دولت است

بهزاد عمرانی، بنیان‌گذار و خواننده اصلی گروه موسیقی بُمرانی در گفت‌وگو با صبا تأکید کرد: مسئولیت اصلی گرانی‌ها بر عهده دولت است، نه فعالان عرضه موسیقی. او معتقد است با توزیع قیمت بلیت در سالن‌های اجرا و ایجاد تنوع قیمتی می‌توان دسترسی اقشار مختلف جامعه به موسیقی زنده را تسهیل کرد و از حذف این هنر از سید فرهنگی خانواده‌ها جلوگیری کرد. بهزاد عمرانی در ادامه تغییر در قیمت‌ها نسبت به جایگاه سالن را یکی از راه‌های بهبود شرایط دانست و خاطر نشان کرد: قیمت بلیت کنسرت‌ها در حال حاضر از حدود ۵۵۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان متغیر است. این نشان می‌دهد که در تلاشیم فضایی ایجاد شود که همگان بتوانند در اجراها حضور یابند. اگر قرار باشد چنین امکانی برای عموم فراهم شود، تنها راهکار عملی، توزیع هوشمندانه قیمت بلیت در خود سالن است؛ یعنی بخشی از صندلی‌ها با قیمت بالاتر و بخشی دیگر با قیمتی مناسب‌تر عرضه شوند تا توان مالی همه اقشار جامعه پوشش داده شود.

عمرانی در تشریح پیشنهاد خود گفت: تنها راهکار عملی این است که قیمت بلیت در خود سالن بخش شود. نه همه مردم توانایی مالی یکسانی دارند و نه سالن، تهیه‌کننده و عوامل اجرایی می‌توانند از درآمدزایی چشم‌پوشی کنند. در این میان، مردم نیز حق دارند با هزینه‌ای معقول‌تر به تفریح بپردازند. این یک امر طبیعی است. پیشنهاد من این است که صندلی‌های جلوتر با قیمت بالاتری عرضه شوند و صندلی‌های عقب‌تر با قیمت پایین‌تر تا بدین ترتیب امکان حضور همگان فراهم شود. عمرانی ریشه اصلی گرانی‌ها را نه در صنف موسیقی، بلکه در مسائل کلان اقتصادی کشور دانست و گفت: اساساً نباید در این حوزه ورود کنیم. دولت و حکومت باید روابط بین‌المللی خود را بهبود بخشند و از تحریم‌ها فاصله بگیرند تا قیمت دلار و سایر مایحتاج عمومی کاهش یابد. وقتی از ما می‌پرسند به نظر شما برای رفع گرانی چه باید کرد، باید این سؤال را از اقتصاددانان و مسئولان دولتی پرسید؛ چرا که نمی‌توان مثلاً قیمت مواد غذایی را با موسیقی مقایسه کرد و انتظار راهکار مشابه داشت. وی با اشاره به اینکه موسیقی همچنان مخاطب خود را دارد، تأکید کرد: با توجه به تورم و گرانی‌های گسترده، شاید موسیقی زنده در خطر کم‌رنگ شدن در سید فرهنگی خانواده‌ها باشد و این موضوع تأثیرات عمیقی بر فرهنگ شنیداری و عمومی

جامعه خواهد داشت، اما ما هنوز در حوزه خودمان با معضل جدی کمبود مخاطب مواجه نیستیم؛ بلیت‌ها همچنان به فروش می‌رسند و سالن‌ها پر می‌شوند. اما این دلیل نمی‌شود که نسبت به گرانی بی‌تفاوت باشیم. عمرانی ادامه داد: در مقایسه با هزینه‌های دیگر، مانند خرید یک وعده غذا در رستوران که به‌راحتی ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان هزینه دارد، قیمت بلیت کنسرت‌ها شاید در نگاه اول کمتر به چشم بیاید. اما برای قشر متوسط و پایین جامعه این هزینه‌ها قابل توجه است و متأسفانه راهکار مشخصی برای رفع این مشکل نداریم. او در ادامه پیشنهاد کرد: شاید بتوان به سمت اجرای ویژه گروه‌ها رفت؛ به این معنا که از پنج سانس اجرا، چهار سانس با قیمت عادی و یک سانس با تخفیف ویژه برای دانشجویان یا با استفاده از کارت دانشجویی برگزار شود. این گونه هم حمایتی صورت می‌گیرد و هم بخشی از اقشار کم‌درآمدتر می‌توانند از اجرای زنده بهره‌مند شوند. باید با همفکری و همکاری، راهکارهای حمایتی بیشتری پیدا کنیم. در پایان، بهزاد عمرانی تأکید کرد: مسئولیت هرگونه گرانی، چه در موسیقی و چه در سایر صنوف، در نهایت با دولت است. اینکه ما به موزیسین یا تهیه‌کننده فشار بیاوریم نتیجه‌ای نخواهد داشت و هر فشاری در خصوص گرانی باید متوجه دولت باشد.

حامد حسین‌زادگان، فعال رسانه‌ای و برگزارکننده کنسرت:

دولت اجازه قانونی برای قیمت‌گذاری آثار هنری ندارد

حامد حسین‌زادگان، فعال رسانه‌ای و برگزارکننده کنسرت شرکت آواز نو، در واکنش به این گزاره که افزایش قیمت بلیت باعث محروم شدن بخشی از جامعه از شنیدن موسیقی زنده شده است، معتقد است: وقتی از بلیت سه میلیون تومانی صحبت می‌کنیم، منظور نهایتاً ۱۰۰ یا ۲۰۰ صندلی در یک سالن دو هزار نفری است. در واقع شاخص را روی گران‌ترین صندلی‌های سالن قرار داده‌ایم. وی تأکید کرد: به اعتقاد من همان بلیت سه میلیون تومانی، با توجه به خدماتی که ارائه می‌شود، خدماتی که دریافت می‌شود و تلاشی که برای آن صورت گرفته، نه تنها کالای اشرافی نیست، بلکه نوعی سوسپسید در حوزه مسئولیت اجتماعی است که همه هنرمندان و حتی همان تهیه‌کنندگانی که مورد انتقاد قرار می‌گیرند به جامعه ارائه می‌کنند تا چرخ زندگی‌شان بچرخد. البته هیچ منتهی هم بر کسی نیست. او معتقد است: اگر با معیارهای اقتصادی و حسابداری به موضوع نگاه شود، کنسرت هنوز هم به عنوان یک کالای فرهنگی، تفریحی و هنری، نسبت به شرایطی که

ارائه می‌کند بسیار ارزان است. این فعال فرهنگی با اشاره به شرایط اقتصادی جامعه اظهار کرد: نباید تمام مسئولیت این وضعیت را متوجه اهالی موسیقی و برگزارکنندگان کنسرت دانست. حسین‌زادگان در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به نقش نهادهای دولتی در حوزه موسیقی افزود: به اعتقاد من باید از منابع دولتی، چه به لحاظ حمایتی و چه به لحاظ منابع مستقیم، استفاده شود تا مردم موسیقی بشنوند. لزوماً شنیدن موسیقی به معنای رفتن به کنسرت نیست. کنسرت راه درآمد اهالی موسیقی و انتخاب گروهی از مردم برای شنیدن موسیقی است.

او همچنین از مدیران حوزه موسیقی خواست گزارشی از اقدامات خود برای توسعه شنیدن موسیقی ارائه دهند و توضیح دهند که برای ارزان‌تر شدن بلیت، با توجه به در اختیار داشتن سالن‌ها و صدور مجوزهای برگزاری کنسرت، چه اقداماتی انجام داده‌اند. حسین‌زادگان درباره نسبت افزایش قیمت بلیت با تورم عمومی کشور نیز اذعان کرد: اگر قرار بود قیمت بلیت کنسرت بر اساس تورم واقعی جامعه و البته بر اساس سودجویی تهیه‌کنندگان تعیین شود، امروز بلیت سه میلیون تومانی باید بالای ده میلیون تومان قیمت می‌داشت. او با تأکید کرد بر این که اظهاراتش را نه از جایگاه یک تهیه‌کننده بلکه به عنوان یک فعال رسانه‌ای و فرهنگی مطرح می‌کند گفت: اقتصاد کنسرت هیچ تأثیری در زندگی من ندارد و زاویه نگاه من از این منظر نیست. بنابراین احساس کننیکه که دارم از خودم دفاع می‌کنم.

وی ادامه داد: چه سالن‌دار، چه تهیه‌کننده و چه هنرمند، تا جایی که توانسته‌اند همکاری کرده‌اند.

این فعال فرهنگی در پاسخ به پرسش‌هایی درباره شفافیت قیمت‌گذاری کنسرت‌ها نیز اذعان داشت: تنها ابزار دولت و حاکمیت در ایران برای تعیین قیمت، تعزیرات یا سازمان حمایت از مصرف‌کننده است؛ مدلی که در حوزه خودرو، اقلام خوراکی و حتی برخی خدمات شهری شاهد آن هستیم و تا جایی که من می‌دانم، دولت می‌تواند حمایت کند و مشارکت داشته باشد، اما اجازه قانونی برای تعیین قیمت آثار هنری ندارد. من دست‌کم در قانون به چنین موضوعی برخورد نکرده‌ام. بنابراین دخالت مستقیم دولت در قیمت‌گذاری آثار هنری انتظار درستی نیست و دولت باید از مسیر حمایت، امکان بهره‌مندی تعداد بیشتری از مردم از خدمات هنری را فراهم کند.

حسین‌زادگان معتقد است: بخش خصوصی حوزه موسیقی، با وجود همه مشکلات، خدمات خود را به بهترین شکل ممکن اداره می‌کند و هرگونه دخالت دولت می‌تواند این حوزه را وارد بحرانی کند که از دست بخش خصوصی خارج شود و در نهایت جامعه را از همان خدمت نیز محروم کند.

او در پایان تأکید کرد: احساس می‌کنم جامعه امروز بیش از هر زمان دیگری به شنیدن موسیقی نیاز دارد.